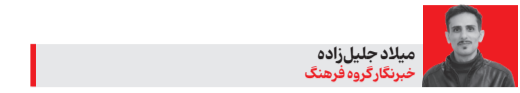




چارسو

گزینه حزب کارگزاران برای وزارت ارشاد

روزنامه سازندگی وابسته به حزب کارگزاران در سرمقاله دیروز (سه شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳) خود به قلم محمد عطریانفر به چهار گزینه احتمالی پیرای حضور در وزارت ارشاد از جمله احمد مسجد جامعی، رسول جعفریان و حسین انتظامی و سیدعباس صالحی اشاره‌های کوتاهی داشته اما بخش زیادی از این نوشتار به تمجید از سیدمحمد مجتبی حسینی اختصاص دارد ووی راگزینه مطلوبی برای حضور در این پست دانسته است.
عطریانفر در بخشی از این سرمقاله نوشته است: «چهره بلندآوازه عرضه هنر، شخصیت جوان و هنرمند و صاحب فضیلتی که کمتر نژاداریاب سیاست شناخته شده، دوست ارجمند و دیرآشنای ما سیدمحمد مجتبی حسینی است که این بزرگوار در دولت روحانی، معاونت هنری وزارت ارشاد را برعهده داشت و چون جوان تراست شاید کمتر مورد توجه گروه‌های سیاسی قرار گرفته باشد. طرح نام و نشان حسینی بسیار هوشمندانه و دقیق بوده است و به نظر اینجانب معرفی وی به‌عنوان یکی از وزرای دولت چهاردهم بلاشک از شاهکارها و اقدامات بلند فرهنگی رئیس جمهور برای ایجاد پلی عریض و آرام بین جامعه ادب و فرهنگ هنر، جامعه عموم مردم به خصوص نسل جوان و البته در پیوند با حاکمیت منتفذ در امر فرهنگ خواهد بود. اخیرا مطلع شدم بسبب بسیاری از منظومه‌های علمی، هنری و ادبی که نهاد‌های مدنی هستند و کارویژه آنها فقط حوزه هنر و ادب است از حامیان جدی ایشانند.»



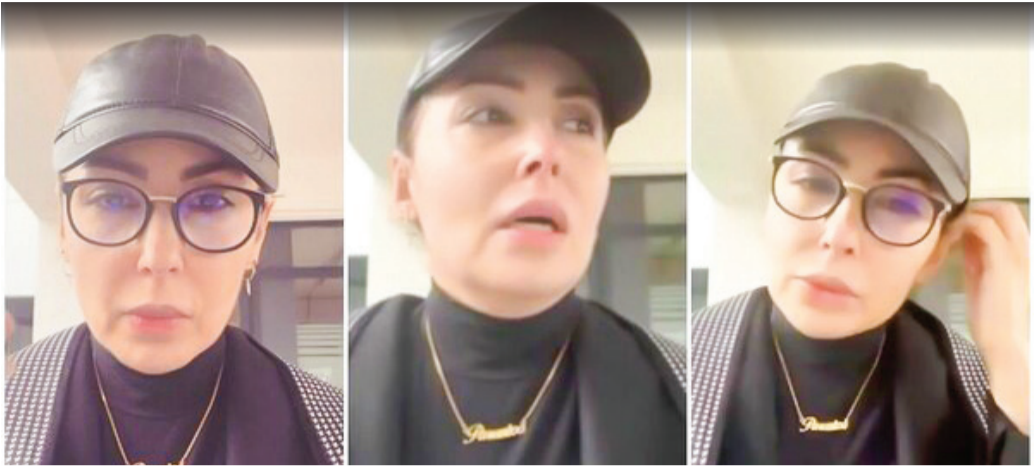
میلاد جلیل زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

در این روزها انتشار ویڈیو یک مونژولگ از پرستو صالحی، هنرنپیشه‌ای که سه سال پیش از ایران مهاجرت کرده بود در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود که در آن می‌گوید چند سال بعد از مهاجرت به مشکلات مالی برخورد به علاوه نمی‌تواند به مادرش که در پایش پلاتین کار گذاشته‌اند و ساکن ایران است رسیدگی کند. صالحی می‌گوید بعد از مواضع سیاسی‌اش در سال ۱۴۰۱ دیگر کسی به او تبلیغات نمی‌سپارد چون سفارش دهندگان یا در ایران هستند یا به ایران رفت‌وآمد دارند. اینها دلایلی هستند که پرستو صالحی به‌واسطه آنها می‌گوید می‌خواهد به ایران برگردد. اینکه خیلی از مخاطبان این ویڈنو فهمیدند نه خارج رفتن و دل سپردن به یک‌سری توهمات پرستو صالحی، بی‌هیچ مانعی نتواند به ایران برگردد؟ او در ویڈنوهایی که قبل از این منتشر می‌کرد هم توهین‌های شدیدی به بخش بزرگی از جامعه ایران کرده بود و با تهییج بسیاری از جوانان و نوجوانان برای حضور خیابانی و به خرج دادن خشونت یکی از کسانی بود که در ریخته شدن خون‌ها و وارد آمدن لطمه‌های فراوان به کشور و همچنین در دوقطبی شدن جامعه و به‌هم‌ریختگی وضع روانی مردم سهم بود. آیا همه اینها را می‌شود فراموش کرد و اجازه داد که او طوری که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده به کشور برگردد؟ عده‌ای می‌گویند حال‌اکه پرستو صالحی عذرخواهی کرده، بگذاریم بیاید. این گزاره به واقع حیرت‌انگیز است؛ چراکه این هنرنپیشه سابق نه‌تنها بابت هیچ‌کدام از رفتارهای پیشینش معذرت نخواسته، بلکه در انتهای ویڈنو از جماعت برانداز که خودش آنها را قاطبه جامعه می‌داند و به آنها نه حتی بخشی از مردم، بلکه مطلقا مردم می‌گوید عذرخواهی کرده که به دلایل مالی دیگر نمی‌تواند در کنارشان بماند و اصطلاحا مبارزه را ادامه بدهد. با این اوصاف بازگشت پرستو صالحی به ایران لاقابل با شرایط فعلی منتفی

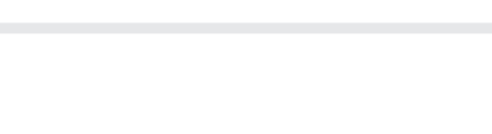
با امثال پرستو صالحی که پاییز ۱۴۰۱ تولید کننده محتوای آشوب بود چه باید کرد؟

ورشکسته‌ها برگردند اما...



در بهترین حالت آیا این در عمل تقابلی می‌کند که همان مساله از جانب دستگاه قضایی اعلام شده باشد؟ این تازه بهترین حالت است که در آن دستگاه قضایی بتواند حتی به اندازه ضعیف‌ترین گروه‌های مدیریتی ارشاد، چم‌وخم‌تعامل با‌اهالی فرهنگ را بداند و اجراکند و با توجه به همین نکته باید پرسید درصورت سپرده شدن کار به قوه قضائیه آیا صدور احکامی پرحاشیه برای افرادی از قبیل آزاده صمدی و افسانه پایگان ممکن نیست درباره کسان دیگری تکرار شود؟ آیا اگر اعلام یا اعمال ممنوعیت از جانب دولت و وزارت ارشاد باشد، در مواقع لزوم و با ریش سفیدی این و آن مساله بیشتر قابل حل نیست تا اینکه کار به قوه قضائیه بکشد و حکم قطعی و مدت دار یا دائمی صادر شده باشد؟ ما اول باید به تعریف درست و دقیقی از چیستی وضعیت امروزان درخصوص مسائلی مثل ممیزی و ممنوعیت برسیم و سپس به سمت پاسخ این سوال برویم که بهترین، سازنده‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و معقول‌ترین شیوه برخورد با چنین مواردی چیست؟

دیگری هم داریم که عده‌ای از اهالی فرهنگ و هنر رفتارهایی انجام داده‌اند که باعث بروز مشکلاتی در روند کارشان شده اما خطی و خطای آنها آنقدر بزرگ نیست که نشود بر آن چشم پوشید و احتمالاً خودشان هم در دل‌شان قبول دارند که زیاده‌روی کرده‌اند. با اینها چه باید بکنیم؟ طبیعتا کسانی که با توجهات عجیب‌وغریب سعی دارند راه را برای بازگشت امثال پرستو صالحی و نیک یوسفی به صحنه، آن هم درحالی‌که هنوز بر سر موضع قبلی هستند باز کنند، با لوث کردن مفهوم بخشش و رواداری کار را درمورد کسان دیگری که می‌توانند مشمول این قواعد بشوند هم سخت می‌کنند. سوال کلی‌تر، اساسی‌تر و تعیین‌کننده این است که شیوه برخورد با چنین مسائلی چگونه باید باشد؟ طبیعتا پاسخ یک خطی به این قضیه نمی‌تواند تنوعی که در موارد مختلف وجود دارد را در نظر بگیرد. سپردن کار به قوه قضائیه هم مطلقا هیچ تغییری در صورت مساله ایجاد نمی‌کند. به‌عنوان مثال اگر ممنوعیت فعالیت یک هنرمند از جانب وزارت ارشاد اعلام یا اعمال شود



چه وضعی داریم و چه وضعی باید پیدا کنیم؟

یک‌سری توهمات در ذهن بعضی از افراد شد. حال‌اکه حدود یک‌سال و نیم از پایان آن اتفاقات گذشته و سرخی‌هایی به سنگ خورده می‌شود بیشتر از قبل به روش‌های فکر کرد که هنرمندان را بدون بروز رفتارهای خشن کنترل می‌کند و باعث نمی‌شود اعلامان خطاهای کوچک مهجور بمانند و خطایان بزرگ‌تر که به پشتوانه دستگاه تبلیغاتی دشمنان مستظهر هستند، نتوانند قهرمان شوند. هم ممیزی آثار هنری و هم برخورد با هنرمندانی که مرتکب خطاهای سیاسی و اجتماعی شده‌اند، در اکثر نقاط دنیا توسعه نرم افزاری محسوسی کرده و چنین مواردی در آنها لحاظ شده است.

تقریبا در تمام دنیا روزگاری بوده که سانسور آثار هنری و ممانعت از فعالیت اشخاص هنرمند، به‌طور عیان و آشکاری وجود داشته و همین دوره‌هایی از بدنامی گسترده را برای بسیاری از کشورها و حکومت‌ها پدید آورده که بخشی از دوران استالین در شوروی، دوره حکومت ژنرال پینوشه در شیلی، دوران دیکتاتوری برزیل بین سال‌های ۶۴ تا ۸۸ میلادی Military dictatorship in Brazil و دوران مک‌کارتیسم در آمریکا از این جمله هستند. به‌مرور زمان اما سانسور مستقیم جای خودش را به کنترلگری داد و اعلام رسمی ممانعت از فعالیت یک هنرمند جایش را به چیزی داد که به‌عنوان فرهنگ طرد یا Cancellation شناخته می‌شود. کنترلگری که آن را شکل‌های ظریف سانسور» هم اسم داده‌اند، از سپردن تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم به پروژه‌ها گرفته تا سوسپسیدها و انواع حمایت‌هایی را شامل می‌شود که درصورت تخطی فرد یا کمپانی می‌تواند قطع شود. مثلا از سال ۲۰۲۲ به این سو، وزارت دفاع آمریکا در سال با حدود ۱۲۰ فیلم، نمایش تلویزیونی، بازی

ویدئویی و مستند کار می‌کند. آنها به تولیدکنندگان امکان دسترسی به پایگاه‌های نظامی را می‌دهند، وام و تجهیزات نظامی می‌دهند، حتی در اکران هم به فیلم‌ها کمک می‌کنند، اما درعرض این حق را می‌گیرند که یک‌سری تغییرات را در فیلم‌نامه بخواهند و بعضی وقت‌ها هم نکات خودشان را به کار اضافه کنند. آنها با این سیستم ارجاعات به تبعیض جنسیتی، نژادپرستی، جنایات جنگی، اختلال استرس پس از سانحه یا اصطلاحا PTSD و خودکشی کهنه‌سربازان را حذف می‌کنند یا به حداقل می‌رسانند و عموما سعی می‌کنند تصویر مثبتی از ارتش آمریکا نشان دهند.

به‌عنوان نمونه در فیلم‌نامه اصلی «مرد آهنی» که به پنتاگون ارسال شد، تونی استارک علیه دلالتان اسلحه که با ارتش آمریکا کار می‌کنند، ازجمله پدرش، موضع داشت و می‌گفت: «این فناوری که من با آن می‌خواهم جان آدم‌ها را نجات بدهم، درحال تبدیل شدن به سلاح‌های واقعا مخرب است.»امادر نسخه نهایی فیلم، خوداستارک فروشنده اسلحه برای ارتش ایالات متحده می‌شود؛ در نسخه ۲۰۱۴ «گودزیلا» هم اشاره یک شخصیت ژاپنی به پدر بزرگش که از بمباران اتمی هیروشیما جان سالم به‌در برده بود، حذف شد. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که به‌سی‌آی‌ای معروف است هم با سینما یک‌سری هماهنگی‌های شبیه به همین را دارد. تبلیغات مستقیم و غیرمستقیمی که به فیلم‌ها سپرده می‌شوند هم روش دیگر کنترلگری است و کسی که در چهارچوب قواعد برخورد نکند، از تمام این مواهب محروم خواهد شد. رتبه‌بندی فیلم‌ها هم روش دیگری از کنترلگری است که عوامل سینما را به رعایت خودجوش موازین وامی‌دارد و اساسا احتمال بروز خطا را به حداقل می‌رساند. در مورد افراد هم عموما به جای اعلام



تماشای رستم و سهراب یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان

اوایل تیر سال جاری بود که کنسرت نمایش «سی‌صد» در مجموعه فرهنگی سعدآباد تهران روی صحنه رفت و بهای بلیت خود را ۶۷۵۰ تا ۸۹۰ هزار تومان تعیین کرد. این روزها حسین پارسایی نیز که مدعی تولید و اجرای تئاترهای موزیکال است، قصد دارد نمایش «نبرد رستم و سهراب» را در استادیوم بین‌المللی تنیس مجموعه ورزشی انقلاب روی صحنه ببرد. اجرای این نمایش از ۱۰ مرداد آغاز می‌شود اما نکته قابل تامل درباره این اجرا، بهای بلیت تعیین شده برای نمایش است. در سایت فروش بلیت این اثر نمایشی بهای بلیت‌ها از ۵۹۰ تا یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان تعیین شده است، بهایی که نه‌تنها از بهای بلیت تمام تئاترهای تولید شده بالاتر است بلکه رکورد گرانی بلیت را از کنسرت‌های موسیقی پاپ نیز بروده است. مشخص نیست چرا یک گروه نمایشی به تنهایی می‌تواند صرف استفاده از چهره‌های بازیگری با توجه ساخت دکور آنچنانی و اجرا در فضایی غیرمتعارف در مجموعه ورزشی لاکچری باشگاه انقلاب تهران، قیمت بلیت اثر خود را به دلخواه تعیین کند. این در حالی است بضاعت مالی اکثر مخاطبان تئاتر با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه پاسنحوری چنین بهای بلیت‌هایی نیست و طبقه خاصی از اجتماع به تماشای این آثار می‌نشینند.



ممنوعیت فعالیت‌شان از روش کالج‌کنترل پاهمان طرد فرهنگی استفاده می‌شود. این روش را حتی افرادی که خارج از آمریکا هستند هم برای تاثیرگذاری روی سینمای این کشور استفاده کرده‌اند، مثلا ۱۶ سال پیش وقتی شارون استون، بازیگر نامی هالیوود در جریان جشنواره بین‌المللی فیلم کن گفت از نحوه رفتار چینی‌ها بابتی‌ها ناراحت است و ادامه داد احتمالا زلزله‌ای که در چین رخ داده، تاوان همین بدرفتاری است، دولت چین اعلام کرد دیگر فیلم‌های استون را در کشورش نمایش نمی‌دهد. سرزمین چین بزرگ‌ترین بازار خارجی سینمای آمریکا است و همین باعث شد بسیاری از کمپانی‌های هالیوود دیگر با شارون استون قطع همکاری کنند. او بلافاصله از این اظهارات خود که موجی از انتقادات و گزارش‌های رسانه‌ای خشمگین را در چین به دنبال داشت، عمیقا عذرخواهی کرد اما چینی‌ها که نمی‌خواستند اجازه بدهند این اظهارنظرهای تکرار شود و مثلا یک نفر بیاید و هم مطابق مذاق فرانسوی‌ها حرف بزند و عکس یادگاری‌اش را با آنها بگیرد و هم دو روز بعد طوری که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده، از چینی‌ها معذرت‌خواهی کند، سفت و سخت ایستاند و کوتاه نیامدند. به یک هفته تکشید برند بسیار مشهور کریستین دیور که تولیدکننده بزرگ مواد آرایشی و زیبایی است در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما با اظهارات خانم استون که بدون تامل بیان کرده موافق نیستیم و از این بابت بسیار متأسف هستیم. ما به هیچ‌وجه از اظهاراتی که احساسات مردم چین را جریحه‌دار کند، حمایت نمی‌کنیم» و اضافه کرد دیگر از تصاویر این هنرنپیشه در مواد تبلیغاتی‌اش استفاده نمی‌کند. بدون شک اگر چینی‌ها لایحه‌ای قضایی علیه استون تنظیم می‌کردند، به این خوبی از آن نتیجه نمی‌گرفتند که با ایزبای دیگر به آن رسیدند.

شکایت بیژن بنفشه‌خواه از یک تهیه‌کننده تلویزیون

روز گذشته بیژن بنفشه‌خواه گفته بود که تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی «بگوبخند» یک‌سال است که با او تسویه حساب نکرده و قصد دارد از سازندگان برنامه شکایت کند. مصطفی آجرلو، مدیر طرح و برنامه شبکه نسیم در گفت‌وگو با مهر و در پاسخ به اظهارات منتشرشده از جانب بیژن بنفشه‌خواه درباره تهیه‌کننده برنامه بگو بخند، گفت: «شبکه نسیم تمامی تعهدات خود را نسبت به تهیه‌کننده برنامه بگو بخند طبق قرارداد انجام داده است. توافق‌ها و قرارداد‌های عوامل برنامه با تهیه‌کننده به سازوکارهای مربوط به خود تهیه‌کننده و افراد برمی‌گردد. در این مورد خاص هم طبق اعلان تهیه‌کننده برخی از مفاد قرارداد توسط او (بیژن بنفشه‌خواه) رعایت نشده و سبب اختلاف شده است.» آجرلو درباره اینکه چقدر تلاش می‌شود حقوق فردی ضایع نشود، گفت: «هنرمندان سرمایه‌های مردم و تلویزیون هستند و ما هم پیگیریم که اختلاف‌شان با گروه تولید با خوبی و خوشی به سرانجام برسد. همچنین این عزیزان هم باید مراقبت کنند که درگیر حواشی نشوند. درخواست شبکه نسیم به این عزیزان که سرمایه رسانه هستند این است که در فضای گفت‌وگو مسائل حل شود و اگر حل نشد در مجامع قانونی طبق قرارداد پیگیری شود نه در فضای رسانه‌ای و عمومی.»

